

(کوشاب) و سمت زیر اُخْتیَّةُ البهار (خایضه) گفته و تشبیه کرده اند و این فخری مصنف عباد الله میگوید که این اسم مستفیع را که بحرف خا نام نهاده با هر شیئی که در آن حدیث نویسد مناسب و لائق و بی ادبی میشود چنانکه گفته اند :
(باب ادب بر اوجه علمیتین و در بی ادب در علمیتین رده) پس بهتر که این تشبیه سلب شود و همی دانستی نام بخاریم *

لا - (چنین داد او دست او خورده و ان پند که حرف لا دو نوع است ای فرزند) :

مفرد (لا لا) مرکب (لا لا)


ی - (چنان ای عاقل پاکیزه منظر که یا بر چهار نوع آمد منصور) که بوم با تو گر سنجیکو چنانی
مُدَوَّرٌ اَوَّلٌ وَ تَوَسَّیٌ ثَانِیٌ سوم معکوس یاء چهارم مرکب چنین کرده است اَن تَرِبَ :

مفرد (مدوی) و مُرَوَّلٌ تَوَسَّیٌ (معکوس یاء) یا مرکب (مانند بنون مدنی) فروع ۲۵

نذکره : خط مندر زمان ابن مقدست قاعده و تاثیر مشفق بود و زمان ابن ثواب شکلمانی از منت و نقل آن گردید ، و اوقات با همان سهل و روش ابن مقدس و ابن ثواب تحت تاثیر منت و از فروع آن قرار گرفت بنابراین اگر در ضمن سابق کمتر بر آن ضایع شده نسبت به مشمول و مضمون بوده است . و شیوه مندر نیز بر زبان آنکس است کن تحت تاثیر استعلی هم داده است .

نذکره ۱ : بعضی اشکال و صورت حروف قدیم است که در کتاب صبح الاعمی و جامع مخاسن دیده میشود .
و امروز آن شکلمها به صورت نوشته نمیشود و مطلقاً بهم نیست پارهای از آن اشکال مختلف با نامهای مختلف را
خطاط مصری استاد شیخ ابراهیم در فن الخط خود آورده است که در اینجا عین نقل میشود :

اقسام الحروف و اسمائها و الالفاظ الخطیة الاصطلاحیة



ا ل

دندان در در فر فرس سس شد
 حسد حسین ص ص ص ص
 ط ط ط ط ط ط ط ط ط ط
 ع ع ع ع ع ع ع ع ع ع

ف ن ن ن ن ن ن ن ن ن ن
 ک ن ن ن ن ن ن ن ن ن ن
 ن م م م م م م م م م م
 م م م م م م م م م م

و این نکته مسلم است و از سوابق گذشته و از آثار باقی مانده و کتبه با بجزئی داشته می شود که اوضاع خطوط اسلامی در هر دوره مشخص و متمایز است و خط دوره های بعد از پیشین بهتر و کاملتر شده است .

نزدکتر از میان خطاطان ترک و فارسی نیز در باره قواعد و تعلیم ، بنظم و نشر رساله ها و کتابها پرداخته و در فنرها (دگرگانه ها) نمونه ها داده شده است که بر اثبات این قواعد کرده اند و اینکه نه انتقالی (بجبرشیده) در میان نیست ، و کتابهای صبح اوعشی و جامع معانی طبری و تاریخ الخط العربی و آداب و دستور الخط و بدایع الخط ، همچنین و فنرچه های محمد عزت ، و حاج سلیم ، و فن الخط سید ابراهیم ، و قواعد الخط هشتم محمد که در اختیار خواننده است بر پشتوانه و کوا این ندها هستند ، گذشته از کتابها در رساله ها از جردانی در این باره رسیده اند که بعضی آنها در صورت الخط آمده است .

برای اینکه این همیشه هم آهنگی و اتفاق خطاطان اسلامی از ترک و تاجیک و عرب بنماییم که همه در قواعد تعلیم خطوط اسلامی متفق القوالند ، ابتدا ابیاتی چند از جردانی سنجاری نقل کرده ، و بعد نمونه هایی از قواعد و تعلیم استاد معاصر ممالک اسلامی برادر ارایه میکنیم :

الف - (حرف نون بران متمایز است) - وَ كُلُّ خَطٍّ رَاجِعٌ إِلَى الْأَلِفِ مِنْ أَرْضِهِ وَ غَيْرِهِ قَدْ يَعْتَرَفُ

با - وَ أَسْلَهَا فَأَنْظُرُ إِلَى التَّجْوِيدِ مِنْ قَبْلِ الْعَيْتَةِ فِي التَّجْوِيدِ س

لَإِنَّ فِيهَا الْيَبَسَ وَ الرُّطُوبَةَ وَ هَكَذَا فَذَوْرَدَتْ مَكْتُوبُهُ

جیم - خَطَّانُ بِالْبُهَيْنِ وَ الشِّمَالِ مِنْ فَوْقِ تَجْوِيدِ عَلَى الْكَمَالِ ح

بَيَاضُهُ مِثْلُ الْأَصْلَاعِ فَاصْفَى هَكَذَا بِلَا زِعَ ح

دال - خَطَّانُ مِنْ فَوْقِ وَ مَحَبَّتْ لَهَا خَلَاةٌ كَاتِبَهَا فِيهَا انْتِهَا

هـ - هِيَ الْفَتْ مَقْضُوعَةٌ صُفَيْنِ بَيَاضُهُ إِجَاصَةٌ لِلْمَعِينِ ۵۵

و - وَإِنْ أَنْتَ مَكْتُوبَةٌ فِي لَامٍ فَاصْعَدِ إِلَى ثَلَاثِينَ عَنْ تَمَامِهِ لَد

مابين تعمیق الی تدبیر وَ حَسْبُ الشَّمْرَةِ بِالْعَرَبِ

سین -	ارْبَعَةٌ مُنْصَبٌ مَّقْوَسٌ	فلا تکتب فی وضعه قوس
ذیل میمان	بِلا تَنْفَرِيقٍ	و صدر نون حسن التفريق
فاء -	الفَاءُ بَاءٌ رَكِبَتْ فِي وَاوٍ	فانقص ما نسبتہ یا راوی
بیاضہ عجمہ	تَفَاحِ اَكْبُ	ولا تغنقها لذلک نصب
وہی اذا ما کتبت	مُرْكَبَةٌ	بیاضها حصۃ یا کتبہ
فاف -	القافِ وَاوٍ رَكِبَتْ فِي نُونٍ	معرق من بد ذی تمکین
بیاضہ العجمہ	مِنْ سَفْرَجَلَةٍ	و صدر و او هكذا قد نقتله
لام -	اللامِ شِكْلًا فَاوٍ وَمُنْطَحٍ	من الف و نصف نون
میم -	المیمِ مِنْ سِینٍ وَاوٍ اُرْسَلَتْ	خشناشہ بیاضہ قد وضعت
ہاء -	الهاءِ دَالٌ عَقَفَتْ شِمْرُهَا	بیاضها ثلث فی کتفها
ان رکبت فی غیرها	فَدَالٌ	فانکذا قد ذکر النقال
خصیہ بغل اذن نخل ثنابت		ما ہیں حرفین کذا قد وردت
خرطوم نخلہ اذا ما رکبت		کذا کذا صا دین بلام کتبت
او علفت فی اول المركب		خصیہ بغل اذن نخل فاکتبت
وار -	یَشْبَهُ مُنْقَلًا اِذَا مَا اجْتَمَعَا	والسبع ان اضعی بعضی اجمعا
لام الف -	اِنْ رَكِبَتْ تَشْبَهُ لِلْفَقِصِ	فاکتب کما نسبتہ واستقص
اسفلہ صفہ ہاء	اِفْرَدَتْ	مثلت بیاضہ قد وضعت
یا -	الیا مِنْ دَالِیْنِ مَقْلُوبِیْنِ	کشفرة لطیفہ من ذین
والحمد لله	عَلَى التَّامِ	وَالشُّکْرُ لِلَّهِ عَلَى الْاِسْلَامِ

شیخ محمد بن حسن سجاری این اجزہ تعلیم قواعد را بنا برد اسی و اصول علی بن ابی طالب (ابن باب) و اقرب استغنی نظم آورد است

و در آن هم اشاره به یاد خطای بندگی کرده و هم تشبیهات و تمثیلات بجا آورده است .
 ۱- قواعد و تعلیم از دفتر خط سجد عزت جاب مطبوعه عثمانیه سال ۱۳۰۶ قمری - عصر سلطان عبدالحمید

ط ل لک لک لک نکت نکت نکت نکت نکت نکت نکت نکت نکت نکت نکت نکت نکت نکت نکت نکت
بسته با جود و حروفشان اشک در کوه سحر خیز

لکت لکت لکت لکت لکت لکت لکت لکت لکت لکت لکت لکت لکت لکت لکت لکت
 نکت نکت نکت نکت نکت نکت نکت نکت نکت نکت نکت نکت نکت نکت نکت نکت

نکت نکت نکت نکت نکت نکت نکت نکت نکت نکت نکت نکت نکت نکت نکت نکت
 نکت نکت نکت نکت نکت نکت نکت نکت نکت نکت نکت نکت نکت نکت نکت نکت
 نکت نکت نکت نکت نکت نکت نکت نکت نکت نکت نکت نکت نکت نکت نکت نکت

نکت نکت نکت نکت نکت نکت نکت نکت نکت نکت نکت نکت نکت نکت نکت نکت
 نکت نکت نکت نکت نکت نکت نکت نکت نکت نکت نکت نکت نکت نکت نکت نکت

نکت نکت نکت نکت نکت نکت نکت نکت نکت نکت نکت نکت نکت نکت نکت نکت
 نکت نکت نکت نکت نکت نکت نکت نکت نکت نکت نکت نکت نکت نکت نکت نکت
و کلمات در یک خط می رود

نکت نکت نکت نکت نکت نکت نکت نکت نکت نکت نکت نکت نکت نکت نکت نکت
 نکت نکت نکت نکت نکت نکت نکت نکت نکت نکت نکت نکت نکت نکت نکت نکت

نکت نکت نکت نکت نکت نکت نکت نکت نکت نکت نکت نکت نکت نکت نکت نکت
 نکت نکت نکت نکت نکت نکت نکت نکت نکت نکت نکت نکت نکت نکت نکت نکت

للتبلیق

علیٰ لکھنؤ کتب خانہ مع ما لکھنؤ کتب خانہ

۱۰۰ ۱۰۰ ۱۰۰ ۱۰۰ ۱۰۰ ۱۰۰ ۱۰۰ ۱۰۰ ۱۰۰ ۱۰۰

۲- تعلیم و قواعد از دفتر نمونه الخطوط حاج طہم منتشرہ از ترکیہ کہ در سالہای ۱۳۶۹ و ۱۳۷۰ نوشته شد

بیت اللہ لکھنؤ کتب خانہ

بیت اللہ لکھنؤ کتب خانہ

بیت اللہ لکھنؤ کتب خانہ

بیت اللہ لکھنؤ کتب خانہ

بیت اللہ لکھنؤ کتب خانہ

بیت اللہ لکھنؤ کتب خانہ

بیت اللہ لکھنؤ کتب خانہ

بیت اللہ لکھنؤ کتب خانہ

بِقَدْرِ جَنَّتِ حَيْثُ جَنَّتْ جَلَّتْ حَيْثُ جَلَّتْ

سَا نَسْتَبِيحُ نَسَائِكَ سُبْحًا وَنَسَائِكَ نَسَائِكَ سُبْحًا

سُبْحًا سُبْحًا سُبْحًا سُبْحًا سُبْحًا سُبْحًا سُبْحًا سُبْحًا

سُبْحًا سُبْحًا سُبْحًا سُبْحًا سُبْحًا سُبْحًا سُبْحًا سُبْحًا

سُبْحًا سُبْحًا سُبْحًا سُبْحًا سُبْحًا سُبْحًا سُبْحًا سُبْحًا

سُبْحًا سُبْحًا سُبْحًا سُبْحًا سُبْحًا سُبْحًا سُبْحًا سُبْحًا

سُبْحًا سُبْحًا سُبْحًا سُبْحًا سُبْحًا سُبْحًا سُبْحًا سُبْحًا

سُبْحًا سُبْحًا سُبْحًا سُبْحًا سُبْحًا سُبْحًا سُبْحًا سُبْحًا

سُبْحًا سُبْحًا سُبْحًا سُبْحًا سُبْحًا سُبْحًا سُبْحًا سُبْحًا

سُبْحًا سُبْحًا سُبْحًا سُبْحًا سُبْحًا سُبْحًا سُبْحًا سُبْحًا

سُبْحًا سُبْحًا سُبْحًا سُبْحًا سُبْحًا سُبْحًا سُبْحًا سُبْحًا

سُبْحًا سُبْحًا سُبْحًا سُبْحًا سُبْحًا سُبْحًا سُبْحًا سُبْحًا

سُبْحًا سُبْحًا سُبْحًا سُبْحًا سُبْحًا سُبْحًا سُبْحًا سُبْحًا

تهنیتیں کھینچیں وہ کل بھیج دیا ہے تهنیتوں کا
 تھک تھاک ہم نے بھیج دیا ہے تهنیتوں کا
 تهنیتیں کھینچیں وہ کل بھیج دیا ہے تهنیتوں کا
 تھک تھاک ہم نے بھیج دیا ہے تهنیتوں کا

۳- نوزادی از تعلیمات محمد رسول مغرب (۱۲۹۰ھ ق)

رَبِّ يَسِّرْ وَلَا تَعْسِرْ رَبِّ تَهْمَلُ رَبَّ الْجَنَّةِ بِه
 اِبْتِحَاحٍ دَرَزْتُكَ سَوْطِ عِفْرِ
 فَنَقِيكَ لِكُلِّ مَرْزُوقٍ وَهَمَلُ لِحَيْكَ

۴- نوزادی از تعلیمات خطاط مسامر استاد و مامّم محمد نوزادی :

اِبْتِحَاحٍ دَرَزْتُكَ سَوْطِ عِفْرِ
 فَنَقِيكَ لِكُلِّ مَرْزُوقٍ وَهَمَلُ لِحَيْكَ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين
الذين هم خاتم الأنبياء
والمرسلين
أجمعين
اللهم صل على محمد
وعلى آل محمد
الذين هم خير البرية
وأجمعين
اللهم صل على محمد
وعلى آل محمد
الذين هم خير البرية
وأجمعين

الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين
الذين هم خاتم الأنبياء
والمرسلين
أجمعين
اللهم صل على محمد
وعلى آل محمد
الذين هم خير البرية
وأجمعين

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين
الذين هم خاتم الأنبياء
والمرسلين
أجمعين
اللهم صل على محمد
وعلى آل محمد
الذين هم خير البرية
وأجمعين

مردود بجا بصورت ترکیبات مسلسل نموداری از خطاط زرکیر مصطفی راقم



مشغول از مصطفی الخطاط

مردود بجا
بجای

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين
الذين هم خاتم الأنبياء
والمرسلين
أجمعين
اللهم صل على محمد
وعلى آل محمد
الذين هم خير البرية
وأجمعين

ازین منظر و نبرهان نونه‌آ آرد و بجز بجزئی و است می‌شود که نظر عموم حفظان اسلامی از هر گروه در باره اشغال مفردات
 و مرکبات نزدیک بهم است و بر آن اتفاق دارند. خطی که در زبان دواست مانند قلم که در زبان دارد و یکی است که در تعبیرات
 زراعی در میان خود همه جا در پشت و قزاقا و کتابها و المخطوطات العربی، تکرار می‌شود و المخطوطات اسلامی می‌گویند، که حقیقت هم
 همین است، زیرا بزرگ اسلام و قرآن و علقه‌ها میان طوایف مختلف اسلامی، خط تو سده و تنوع و ترقی پیدا کرده چنانچه
 نقضات زراعی همچون سونی که در میان دو زبان قلم بیفته‌اند و افتاد را بر بهم می‌زنند. بهتر است که طوایف
 خود بینی و خوشستانی را در همه هم چیسیم و بخش از آسانی بخوانیم تا با نهم که شوب و قبایل برای تعارف است نه تعاضد
 تعاضد محکوم تقوی است و تقوی مایه عزت دنیا و مهبلی روان اگر کم خدا ندهد تقیتم بر این مطلب گوشت.

قَالَ الرَّسُولُ الْأَمِينُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ :

يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ رَبَّكُمْ وَاحِدٌ وَإِنَّ أَبَاكُمْ وَاحِدٌ كُلُّكُمْ لَأَدَمٌ وَأَدَمٌ مِنْ تَرَابٍ

إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقِيكُمْ لَأَفْضَلُ لِيَمْرَأَةٍ عَلَى عَجْمَةٍ إِلَّا بِالْقَوَى

« نَجْحُ الْعَصَا حَتَّى ۱۰۴۲ »

بایان پیشینه قواعد و تعالیم محقق، ثلث، توفیق، رفیع، نفع، بصل و کبریا

حجیب الله فضائل ۱۳۹۵

هجری

سوابق تعلیم و قواعد تعلیق

میدانیم که خط تعلیق از خط نسخ و تعلیق آمیخته ترکیب شده است. از این رو ابتدا به تعلیق میثود و با اختصار بزرگوار آن
میسپرداریم :

کمال الدین جعفر بایسنذی تبریزی (اولاد قرن نهم میرزیته) گوید :

۹ فصل در مغزوات تعلیق - بیاید و انت که تعلیق فرخ رقا ع است. چه در رقا ع تصرف کرده اند و آنرا تعلیق نام نمادند
و از جو طریقه خواج تاج الدین سلمانی اصن فرقی است و تعلیق او فرخ رقا ع و نسخ است و اگر چه آخایت در اصول
این خط سخن نمکنند اما قاعده واسطه اتام فن اشارتی به مغزوات این خط میرود بطریقه خواج بیکرانه سغیانہ :

اے الف تعلیق هفت نقطه باید و طرزه از جانب بسیار باید ساخت و شمره او و ششبع از شمره الف رقا ع باید ،
و چون بجای ترکیب کنند طرزه و شمره او بیکدیگر متصل باشد و بعضی که از او حادث شود شبیه بود پسینہ باز مثال آن

﴿ ۱ ۰۰۰۰ ﴾

مؤلف خواندہ المخطوط (مدن سال ۱۹۹۵) گوید :

۹ اے الف تعلیق هفت نقطه باید بیت ۱ بدان ای عاقل با کبره گوهر چنین گفت او ساد و پاک منظر که نسبت است نقطه تعلیق
نشاید درک آن طبع فرف را - به کمال ماند آن طرزه پیش که گاهی انگشت بر پای خویشش - یعنی طرزه از جانب بسیار
باید بخلاف مخطوط دیگر که طرزه آنها از جانب چپ است و طرزه و شمره او ششبع باید همچون و چون بحرانی که قابل اد باشد
ترکیب کنند شمره و طرزه او بیکدیگر متصل باید چنانچه بعضی که حادث شود شبیه سینہ باز بود (۱۰۰۰۰)

توضیح - از این دو عبارت و عبارات دیگر این دور سال که تعلیق کرده ام معلوم گردید است که خوانند
بازند که تغییرات و تصرفات کلی و تقلیدی از رسا از خط جعفر است با این تفاوت که انشا رساله جعفر متین استوار
و انشا خواندہ المخطوط متعصب است و دیده میشود . چون بخارنده - مع الف - تمام نسخ اصل جعفر را بدو داشت کرده بودم
ناچار در اینجا در موارد قبل از رساله خواندہ المخطوط استناد کرده و انشا خود مطالب متعصبان را نقل نموده ام . و هر جا که

توضیح بیشتر بجزایات برای آن پرداختیم. و چون در این نشانه موجود کاتب شکلمای لازم را رسم کرده بود. با کمک فنق از قطعات خط تعلیق اشکال الفبائی تعلیق را یکجا شسته ام.

نمونه الخطوط. در باره قواعد محقق بحث. ترفیع. رقع. تبسین. بست تعلیق. از رساله جعفر در رساله عهدیه صیرنی و اشعار سلطان علی مشهدی و اشعار مجنون و شاید از رسالات دیگر. بایه و بجزه گرفته است. و این مطلب ضمن مطالعه و بررسی برنگارنده روشن گردید که حتی غالب عبارات رساله جعفر و صیرنی را اینجا نقل کرده. ولی از روی بی بضاعتی نامی از آنان بیان نکرده است.

افاضله در ات تعلیق :

الف - گفته شد که قد آن هفت نقطه است. ولی در قطعات تعلیق کمتر از هفت هم نوشته اند و محتمل است که صورت قدیم آن سخت بوده و بعداً تقییل یافته باشد یا آنکه همچون شکسته تعلیق به دو صورت بلند و کوتاه جایز دانسته اند.

ب - بار در مفرد و دو قاع است یکی بی سر که بسیار نوشته شده است و دوم با سر که در قطعات و شاید در آغازینیا استعمال میکردند. مفرد (سب) مرکب (سم)

ج - سرجم در این خط عده ای بسته است (تعلیق) و در باره آن را سه نوع نوشته اند: یکش ده (منوع) و دلی (دلی محض) و دفرنی مثلاً (ج ج ج)

د - دال منوع است که بحجات دور نوشته اند و آنرا به رسم تراش تعلیق آن تشبیه کرده اند. در مفرد و دو قاع به بقدر یک نقطه نیم از نظر اول نگذرد. و در مرکب بشکل مثلث (مثلث گوند) است (ه - ه)

و - دال منوع را میدان دال تعلیق را می نامند به آن آفراد و لیکت نکرک ساز قیمت را بقصد دور انداز مشتبه دان بهم تراش او را متوسط تسل تراش او را مفرد او چنانچه نکرک است. دال نسخی به دور مستور است در مرکب چو شده قریب پذیر شکلش کهنه باید تدویر

و - راه در این خط دو نوع است. اگر در مقعر که مانند منوع است. و کمانی (قوسی) ، به این مثال :

(و - و)

س - بردش مثلث و منوع و رقع دو نوع نوشته میشود. و در انزای (منشایی - انزای) ، کمانی (قوسی) :

مانند (س - س - س)

ص - صاء را بطریق شیخ ساخته اند و آن نیز بر دو نوع است : گره (مقدّم) ، راء (مرسل) بدینحال

(ص ص)

ط - طاء یک نوع است که در مرکب پیشکل مفرد نوشته شود و در شطاه همچون الف قرآنی بطرف چپ دارد و بر ط

بزرگ و مانند صاء و در انش فرج است (ط ط)

ع - در تعلق شروع است و صادی ، ثلث (سکونیه) ، گره بی معقود) ، و در انش مثل جیم است

(ع ع ع) و همین وسط و آنرا گره مانده شروع در قاع است .

ف و ق - هر دو بصورت کوتاه و دراز نوشته شده است (فف - قق)

(فف) را در انش همچو فاء باشد یک بنظرایب است ، نزل او را چون نزل سین دانی یک است و در گره دانی

در قصیر و طویل و می بین تمام که مطلق بری از آن زبان)

ک - در این خط چهار نوع است : دالی ، لامی ، خمیده (مخفی) ، شبیه سطح (مضمر) - بر این مثال :

(ک ک ک ک ک حکم)

ل - دو نوع است : گره (مقدّم) ، راء (مرسل) و این هم را از لام منع بزرگتر و فرجه تر باید نوشت

و طرّه آن مانند الف است بدینگونه : (ل ل)

(طرّه) لام چون الف میدان قلمی از بسا بر روی دانی است و چون زنجیر افزاد طرّه پیش کشند از سر او)

م - میم نیز دو بصورت دارد یکی خاص مفرد و دیگری مخصوص کسب هر دو بسته و بر نوشته میشود

(م - م م)

ن - شروع است گره (مقدّم و مقتر) ، تأبیده (مضمر) ، راء (مرسل) - و مضمر خاص مرکبات است مثل

(ن - ن ن)

(ر ز) متون تعلیمی مغز یکی مرسل و در مضمر مقتر مغز و آن مقدّم و آن اول چه مضمری سر و قسماست (مرسل)

- و - مانند نسخ است الا آنکه سرآزاد بزرگتر و در منحنی را نامزگتر گیرند . (۹)
- ۵ - یازدهم در مفرود کرد و منقش که زیادت مانند علامت سکون در منقش (۱۰) و در اول کلمه منوط می و در چشمه باشد (مو بر ایت) ، (هـ) . و در در وسط کلمه حقیقی است یعنی شبیه به همین مابقی (هـ ما) پنجاه و هشت و توفیق و رقاع است . و در آخر کلمه مانند وال و راه تو می و مانند راه و رقاع نوشته اند . مثال (صا کا نر صا کا نر - والله لله)
- لا - مرکب از دو خط پشت به (مستقیم) و خمیده (منحنی) و باطرز است (لا) مانند لام الف تفرع که اندکی پهنال کرده اند و صورت قدیر آنست . ولی این شکل دوم را (لا) بیشتر نوشته اند و با طرز بود است .
- ی - سرفوع است که در - را - تابیده (ی ی)

تذکره چنانکه نمودند در تعلیق اشکال مشابه نسبت زیاد است و کلمه خواندن را شکل میانه مانند راه و اول

پسندیدم که در این کتاب
 در این کتاب که در این کتاب
 در این کتاب که در این کتاب
 در این کتاب که در این کتاب
 در این کتاب که در این کتاب

در این کتاب که در این کتاب
 در این کتاب که در این کتاب
 در این کتاب که در این کتاب
 در این کتاب که در این کتاب
 در این کتاب که در این کتاب

و در - درون و بار ، و حجم و همین مفرود ...
 چند نمونه از نقلات خط تعلیق ۱

در این کتاب که در این کتاب
 در این کتاب که در این کتاب
 در این کتاب که در این کتاب
 در این کتاب که در این کتاب
 در این کتاب که در این کتاب

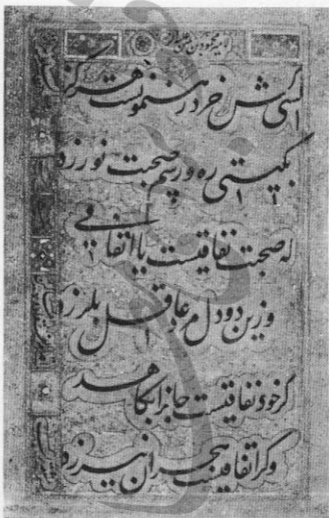
خطه تعلق برتسم اشتد تر کلام
والد عثمانی فی ۱۱۱۶

تذکره و توضیح از مفردات
خط تعلق و نونه نامی است می شود
که خط نیکست به تبصیر ترکیبات
مشکل و شباهت بسیار آن است
تا غیر خط تعلق بوده است .
خط نکست ترکیبی از تعلق و سلیق
می باشد . لذا سوابق خط نکست
بین سوابق تعلق و سلیق است

بسم الله الرحمن الرحیم
در بیان
کتابخانه
سیدالشهدا
موضوع
تذکره
تعلیق
نکست

تذکره و توضیح از مفردات
خط تعلق و نونه نامی است می شود
که خط نیکست به تبصیر ترکیبات
مشکل و شباهت بسیار آن است
تا غیر خط تعلق بوده است .
خط نکست ترکیبی از تعلق و سلیق
می باشد . لذا سوابق خط نکست
بین سوابق تعلق و سلیق است

تذکره و توضیح از مفردات
خط تعلق و نونه نامی است می شود
که خط نیکست به تبصیر ترکیبات
مشکل و شباهت بسیار آن است
تا غیر خط تعلق بوده است .
خط نکست ترکیبی از تعلق و سلیق
می باشد . لذا سوابق خط نکست
بین سوابق تعلق و سلیق است



تقدیر با رقم شده تراب اقام الفتره و الماسین بر علی الخاتب در السلطنة مرآة ۸۲۵) شغل دهلستان بنزرتعج آقای سلی

(نوزده ای از آغاز خط استعیلی کعبه اضع یا قوت)

حرکات خط تعلیق در ضمن آن مشهور است *

و اما سوابق تعلق :

کمال الدین جعفر یاسنجی در سال ۱۳۴۰ خورشیدی در سن ۱۰ سالگی :

«خاتمه آن مشتمل است بر فصل - فصل اول در تعلق میان مفردات او . - باید دانست که تعلق اصلی او نفع است
 با توحی شیرازیان در آن تصرف کرده و کاف شمع و ارسال ذیال سین و لام و فون از او بیرون برده و سین قوی گشت
 مذات از خطوط و کج در آورده و غش و سین و راه رعایت کرده . و آزانخی دیگر ساختند و نفع تعلق نام کردند . و مدتی بر آن
 گذشت بعد از آن تبریزیان در آن طریق که کشیر ازین وضع کرده بودند تصرف کرده و آزانک اندک اندک می بخشند
 و اصول قواعد آن وضع میکنند تا نوبت به خواججه امیر علی تبریزی بشکفته نرسید . و او این نظرا بحال
 رسانید . اکنون باید دانست که اتمام»

نگارنده هنگام تألیف جمله اول از خط رساله جعفراننده بود و این نکات که از نظر پیدایش خط تعلق ارزنده و عاثر
 اینست است در آنها رقم بنیاد . که از او آن مشتق است و انصاف که حقیقت واقع را روشن ساخته است که صرف
 آغاز و شروع خط تعلق از شیرازیان بود و بعد تبریزیان و غالب آنرا گرفته در آن کار کرده و خود را آزان بجائی رسانید
 تا صورت فعلی مستقل در آورده و قابل آن شد که میر علی تبریزی برای آن قواعد وضع کند از این بیان این نکته استفاده می شود
 که مخرج و واضع اصل جماعت است نه فرد و بدون مقدمه بنده پیداشده که در طول سالها و بتدریج خود نمائی کرده است
 و فقط میر علی آزان تحت اصول و قواعد بقابل صحیح تعلق بنیاد است و قابل آن شده که در ویف خطوط است که
 در آن روز کار غیر آنها را بر نیت نمی شناختند - قرار کرده . اما اینکه سلاطین مشدی میر علی تبریزی را واضع اصل خوانده و گفته است
 که این خط قبل از میر علی در عالم نبوده و او از زمین خود بوجود آورده . بنا لند است و خواست باین بیان بحجت کار میر علی را بر نیت
 . و قول صیغ تبریزی آقوی دلیل بحجت قاطع است چنانچه بر زمان میر علی نزدیکتر و با وضاع خط آزانمان آگاهتر از سلاطین
 بوده است . زیرا جعفر تبریزی به یک واسطه خط تعلق را از میر علی فرا گرفته و استاد انظر تبریزی است که انظر است .

سلاطین میباشد .

توضیح - صاحب فوائد خطوط ، همین مضمون رساله جعفر را ؛ پس پیش کردن کلمات و عبارات در رساله آورده است

برین بیان : (ناظر بر اشعار ماضی نیز بوده است) :

« خواجہ امیرعلی تبریزی خط دیگر وضع کرد و او را نسخ تعلیق نام نهاد و او فرغ نسخ و تعلیق است زیرا که او را از نسخ تعلیق
انفک کرده اند و وضع او برای ادبیات و اشعار است خواجہ امیرعلی تبریزی خطوط سبده را کما هو مخد میدانست و وضع نیز
و انواع نازکی قلم و طرادت تبریزی قلم را در این خط پیچیده آورد اما نباید دانست که در این خط اعتمادی کلی ۱۰۰۰۰ »

نمونه های دیگر از این دو رساله :

رساله جعفر تبریزی : « اکنون بیاید دانست که اعتماد در این خط بروحی قلم باید کرد تا تمایل حرف و نشانی که در وی می آید
فرا از خطوط : « اما نباید دانست که در این خط اعتمادی کلی بروحی قلم باید کرد چه تمایل حرف و نشانی آن بیان طریق تواند بود اکنون
بازگردیم به اصول مفردات »

رساله جعفر : « الف در این خط مرکب است از چهار نقطه و شکل او محرز علی بهر معنی الف را اول سبتر باید و آخرش باریک
و باید که در او میل مخفی بود »

فرا از خطوط : « الف - باریک الف در این خط مرکب از چهار نقطه بود و بعضی است نقطه گفته اند اول او سبتر باید و آخر او باریک
و بعضی گفته اند درسیلی ... مخفی باشد ... »

رساله جعفر : « اما الباء سر با یک نقطه باید در غایت نازکی و ذیلا و بقدر الف و تا دو الف و سه الف جایز است و باید
که از اول ذیلا و تا وسط سیل بریزد داشته باشد و از وسط تا آخر میل بالا بر سیل تدریج مثال س »

فرا از خطوط : « اما سر با یک نقطه ای باید نهایت نازک و ذیلا و بقدر الف و تا دو الف و سه الف جایز است بحسب اقتضا
مقام و باید از اول ذیلا و چهار دانگ سیل بریزد داشته باشد و دو دانگ ثانی سیل بالا ... »

جعفر تبریزی در باره حرف فاء و یا چنین گفته است : « اما الفاء سر فاء در مفرد پوشیده و باید و در مرکبات
نیز جایز است و ذیلا و همان ذیلا باشد مثال ه ... اما ایاه یا همان طریق نسخ است و کور ذوا
بیشتر باید و شمره مذکور باید ساخت می »

فرا از : « حرف الفاء سر فاء در مفرد پوشیده و باید و در مرکبات نیز جایز است و ذیلا و همان ذیلا است ... »

از نقل چهارستاین و دو سال روشن و واضح است که نزولت تو از خطوط در خط نستعلیق نیز از رساله جعفر استقاده و نقل کرده است اکنون قبل از ادای این بحث لازم میدانم که رساله کمال الدین جعفر تبریزی بایستغری را معرفی کنم :

این رساله پسینگونه آغاز شده است : **بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ**

الحمد لله الذي انشا من نقطه الوجودية خطوط العقول عن ترتيب النجوم وخلق منها النسخة مشهورة والارواح والاهرام والاحجام منقولة واستلام على رسول محمد سيد الانام وعلى آل الكرام واصحابه العظام انا بعد ان رساليت مشتمل برسان اصول وقواعد خطوط آستان قدیم و جدید وضع کرده اند منی بر مقدمه در باب ۱

و جای دیگر نوشته است : « حضرت سید الانبیاء محمد مصطفی علیه افضل الصلوات و اكمل التحیات فرموده که من آخسن کتابة بسم الله الرحمن الرحيم و خبیث لا اله الا الله یعنی هر آنکس که نیکو نویسد بسم الله الرحمن الرحيم راهبشت او را واجب شود . در هر الفاظ قطب الاولیاء علی المرتضی علیه السلام واقع است که حکیم مجتهد الخلیفة فاضل بن مفتاح الزینق در هم از جمله مشهور آن حضرت است که شعور تعلم القوام الخلق یا الله الذی ذاب فخلق الالهة المذابة فان کنت ذامنا لخلق زینة وان کنت محتاجا فاضل کتب و حکیم المظنون یونانی فرموده که الخلق بندسته روحانیة تطهر با آیه بیست و نهم »

این رساله بیست جانمی از نزولت بوده نشده است ، ولی شکارنده بدلائل زیر قطع و یقین وارد که انحال جعفر بایستغری است که مروی داشته و حافظ قرآن و مترجم بوده و به انواع خطوط دست داشته است و احتمال میرود این چیز را در مقابل آئینه ستر مندی ناچیز شمرده و نامی از خود برده باشد . متن رساله بخط حلیس در حدود یک و ششاد و شکلهای حروف بزرگ قرمز است .

در وضع رساله دو خط و کاغذ که اهی میدم که ساخته قرن نهم هجری است ، برای حروف پ و چ یک نقطه نهادند و آنکه و چ که را آنک و چنانکه نوشته است ، خطش سبک و کشیده آن زمان است که هنوز خط نستعلیق در حال ابتدائی بوده و چنگی نیافته است و بهمانگونه که در باره مفردات قاعده پست داد ، است که در سرفاه و مفرد پوشیده است و در کلمات نیز جایز است ، ضمن نوشتن رساله این قاعده را در مرکبات بکار بسته است .